

جامعه اندیشکده‌ها

گزارش رصدی

دی ۱۴۰۴

خوشه‌های خشم

تحلیل اندیشکده‌های خارجی از اعتراضات ۱۴۰۴ ایران

مرور ۹ گزارش از ۵ اندیشکده

اعتراضات از چه الگویی پیروی می‌کند؟

هدف و ریشه‌های اعتراضات چیست؟

موضع چین در اعتراضات ایران چیست؟

نقش آمریکا و اسرائیل در اعتراضات چطور بازنمایی می‌شود؟

توجه

پشت هر سیاست، تصویری از جهان قرار دارد و امر سیاست‌سازی و تصمیم‌سازی، فارغ از آن تصور و تصویر، به‌سان جزیره‌ای «بی‌ربط»، با تهدید اضمحلال اثر مطلوب مواجه است. از این‌رو برکشیدن سیاست و تصمیم مقتضی، نیازمند شناخت آنچه از ما می‌پندارند، نیز هست. چراکه در سیاست، فقط ما تصمیم نمی‌گیریم، بلکه برای ما نیز تصمیم می‌گیرند! با این نگاه، در سلسله گزارشات رصد بین‌الملل جامعه‌اندیشکده‌ها، به مرور نگاه اندیشکده‌های خارجی درباره ایران حول موضوعات مشخص می‌پردازیم. به‌طور طبیعی جزئیات این گزارشات، ترسیم ابعاد تاریکی از موضوعات است؛ اما این تاریکی مقدمه‌ای برای سیاست‌پژوه و سیاست‌گذار ایرانی است تا روزه‌ها و مفرهای سیاست‌ورزی در شرایط دشوار را هوشمندانه کشف و انتخاب کند.

مقدمه

گزارش پیش‌رو ماحصل رصد اندیشکده‌ها، مراکز مطالعاتی بین‌المللی و حاکمیتی و رسانه‌های مهم بین‌المللی به‌ویژه امریکایی با موضوع وقوع اغتشاشات و اقدامات تروریستی در ایران در دی ماه ۱۴۰۴ است که در قالب خبر، مقاله، یادداشت و گزارش منتشر کرده‌اند. همچنین گفتنی است که مبنای این گزارش، محتوای تولیدی مراکز مطالعاتی، خبرگزاری و وب‌گاه‌های تحلیلی بوده است و نه پُست‌های شخصی افراد در فضای مجازی.

براساس تحلیل‌های منتشرشده در ژانویه ۲۰۲۶، جمهوری اسلامی ایران در بحرانی چندوجهی و بی‌سابقه قرار دارد که ریشه در فروپاشی اقتصادی ناشی از تورم شدید و کاهش ارزش ریال دارد. این بحران معیشتی به‌سرعت به یک جنبش سراسری سیاسی با شعارهای بنیادین و تند علیه اصل نظام و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای تبدیل شده است؛ جنبشی که وسعت آن در حدود ۵۷۴ مکان در سراسر کشور، بزرگ‌ترین چالش امنیتی تاریخ جمهوری اسلامی را رقم زده است. حکومت در پاسخ، به قطع گسترده اینترنت، تقابل با معترضین خشن و بسیج نیروها روی آورده است، اما گزارش‌ها حاکی از آن است که این اقدامات نگرانی رهبران را درباره «ریزش نیروهای مسلح» افزایش داده است.

بحران داخلی ایران همزمان شده است با تغییرات مهم در معادلات بین‌المللی که تضعیف موقعیت منطقه‌ای تهران را به‌دنبال داشته است. کاهش نفوذ ایران در شام و قفقاز جنوبی، به‌واسطه افزایش نقش آفرینی بازیگرانی چون ترکیه و اسرائیل، وضعیت

ژئوپلیتیک ایران را دشوارتر ساخته است. نکته قابل توجه در این میان، موضع چین است؛ هرچند پکن همچنان خریدار نفت ایران است، اما در حمایت‌های راهبردی کلان در بحران کنونی تردید نشان داده و فاصله خود را از یک «اتحاد» آشکار با تهران حفظ کرده است. این شکاف‌های منطقه‌ای، فشار بیرونی بر حکومت را مضاعف می‌سازد. در جبهه سیاست خارجی آمریکا، نگرانی‌هایی جدی نسبت به تکرار اشتباهات گذشته وجود دارد؛ به‌ویژه تکرار عقب‌نشینی از خطوط قرمز تعیین‌شده از جانب دولت اوباما که به تهران پیام ضعف داد. اکنون، با توجه به شدت سرکوب‌ها و تقابل با معترضین (اغتشاشگران)، برخی تحلیلگران تاکید می‌کنند که هرگونه پیشنهاد امتیاز یا مذاکره بدون اعمال فشار حداکثری، می‌تواند موقعیت حاکمیت در تهران را تقویت کند. در مقابل، اظهارات صریح رئیس‌جمهور ترامپ مبنی بر حمایت کامل از معترضان و ثبت اسامی «قاتلان» برای مجازات آتی، نشان‌دهنده تغییر لحن و افزایش احتمال مداخله یا حمایت مستقیم از جریان تغییر است.

بنابراین، وضعیت کنونی نه یک بحران مقطعی، بلکه نتیجه مجموعه‌ای از شکست‌های ساختاری در اقتصاد، حکمرانی و محاسبات راهبردی بین‌المللی است. کارشناسان این گزارش‌ها و یادداشت‌های تحلیلی بر این باورند که تضعیف شدید مشروعیت، همراه با افزایش ترس از فروپاشی درونی نهادهای امنیتی، جمهوری اسلامی را به نقطه‌ای رسانده است که بقای آن در شکل فعلی، غیرممکن تلقی می‌شود. این مقالات با بررسی این ابعاد چندگانه -داخلی، منطقه‌ای و سیاست خارجی قدرت‌های جهانی- به دنبال ترسیم چشم‌اندازی از مسیر پیش روی ایران در سایه این تلاطم بی‌سابقه است.

اشتباه اوباما را در ایران تکرار نکنید

وال استریت ژورنال - ۱۲ ژانویه ۲۰۲۶

این مقاله هشدار می‌دهد که امریکا نباید اشتباه دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما در قبال ایران را تکرار کند. نویسندگان این یادداشت یادآوری می‌کنند که اوباما با تعیین «خط قرمز»هایی که در عمل از آنان عقب‌نشینی کرد، به رهبران ایران این پیام را داد که تهدیدات امریکا جدی نیستند. براساس این مقاله، در شرایط کنونی نیز درحالی‌که اعتراضات داخلی ایران با سرکوب شدید از جانب حاکمیت مواجه است، هرگونه تمایل واشنگتن به مذاکره با دادن امتیاز، مانند در قالب توافق‌های هسته‌ای یا بازرسی‌ها، می‌تواند همان پیام ضعف را منتقل کند. نتیجه‌گیری اصلی این است که عقب‌نشینی یا مصالحه بدون فشار واقعی، نه‌تنها رفتار حکومت ایران را تغییر نمی‌دهد، بلکه موقعیت آن را تقویت می‌کند و امید به تغییر حکومت (رژیم چنج) را تضعیف می‌کند.



چین فاصله خود را از تهران نشان می‌دهد

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) - ۱۲ ژانویه ۲۰۲۶

این مقاله از اندیشکده FDD تحلیل می‌کند که درحالی‌که اعتراضات سراسری در ایران شدت گرفته است، حکومت چین در عمل فاصله خود را با تهران نشان می‌دهد. چین رسماً تأکید کرده که با ایران «شراکت» دارد نه «اتحاد» و از ارائه پشتیبانی امنیتی مستقیم مثل تسلیحات دفاع هوایی، خودداری کرده است. در کنفرانس‌های رسمی، پکن خواستار کاهش تنش و ثبات در ایران شده است و با انتقاد از دخالت امریکا در امور داخلی ایران، تلاش می‌کند موضع متعادلی اتخاذ کند؛ اما این حمایت لفظی به معنای حمایت عملی نیست.

چین همچنان خریدار عمده نفت ایران است و کالاهای و فناوری‌هایی از جمله تجهیزات نظارتی عرضه می‌کند که به تهران در زمینه کنترل اعتراضات کمک می‌کند، اما در بحران کنونی حاضر به کمک‌های کلان یا تعهدات راهبردی نشده است. نویسنده نتیجه می‌گیرد که این رفتار نشان می‌دهد پکن علاقه‌مند به بقا یا تقویت حکومت کنونی ایران در لحظات بحرانی نیست و پیشنهاد می‌کند که امریکا و اروپا باید شرکت‌های چینی فعال در تجهیز نیروهای سرکوب ایران را هدف تحریم قرار دهند تا هم تهران را تحت فشار قرار دهند و هم پکن را از دخالت بیشتر بازدارند.



تهران از ریزش نیروها هراس دارد

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) - ۱۲ ژانویه ۲۰۲۶

نویسنده در این یادداشت تحلیل می‌کند که اعتراضات در ایران از ۲۸ دسامبر ۲۰۲۵ به‌خاطر تورم و کاهش ارزش ریال آغاز شد و خیلی سریع از یک موج تظاهرات شهری به جنبشی سراسری در تمام ایران تبدیل شده است، به‌طوری‌که تاکنون در حدود ۵۷۴ مکان در ۱۸۵ شهر و همه استان‌ها ادامه داشته است و بزرگ‌ترین حرکت ضدحکومتی در تاریخ جمهوری اسلامی است.

به‌دلیل شکست نیروی‌های امنیتی در متوقف‌کردن یا مهار این حرکت اعتراضی، نگرانی در رهبری ایران درباره «ریزش و ترک خدمت نیروهای مسلح» افزایش یافته است. سپاه پاسداران در بیانیه‌ای تلاش کرد اعتراضات را به توطئه آمریکا و اسرائیل نسبت دهد و معترضان را «تروریست» بخواند، اما بخش حذف‌شده بیانیه درباره مجازات کسانی که از دستور فرماندهان سرپیچی یا فرار کنند نشان‌دهنده وحشت مسئولان از این احتمال است.

منبع مهم گسترش اعتراضات، فراخوان رضا پهلوی در ۸ ژانویه بوده است که موجب شد جمعیت‌های بی‌سابقه‌ای در شهرها راه بیفتند، اینترنت و برق قطع شوند و شعارهایی مثل «پهلوی بازمی‌گردد» و پرچم شیر و خورشید راه بیفتد. درمقابل، حکومت برای سرکوب از سپاه و بسیج همراه با شبه‌نظامیان شیعی منطقه‌ای مثل حزب‌الله لبنان و گروه‌های عراقی استفاده می‌کند و تاکنون صدها تا هزاران نفر معترض و بیش از صد نیروهای امنیتی کشته شده‌اند.

در سطح بین‌الملل، رئیس‌جمهور آمریکا تهدید کرده است که در صورت ادامه سرکوب خونین، پیامدهایی برای تهران در نظر خواهد گرفت و مشاوران او در حال بررسی گزینه‌های نظامی، سایبری و اقتصادی برای افزایش فشار هستند. در آخر مقاله می‌گوییم که اعتراضات به جنبشی بی‌سابقه تبدیل شده و ترس حکومت از فروپاشی درونی و ریزش نیروهای مسلح، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های آن است.



درخواست ترامپ برای شتاب اعتراضات پس از کشته‌شدن هزاران نفر

بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها (FDD) - ۱۲ ژانویه ۲۰۲۶

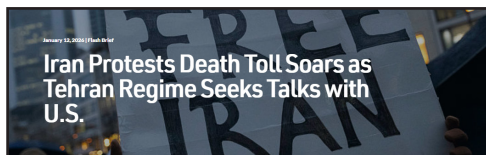
دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در ۱۳ ژانویه بیانیه جدیدی در حمایت از معترضان ایرانی صادر کرد و از آنان خواست «به اعتراض ادامه دهید» و «نهادهای خود را در دست بگیرید»!!! ترامپ گفت که «تمام دیدارها با مقامات ایرانی را تا زمانی که کشتار بی‌معنای معترضان متوقف نشود، لغو کرده است. کمک در راه است»، و با لحنی هشدارآمیز افزود: «نام قاتلان و آزاردهندگان را ثبت کنید. آن‌ها بهای سنگینی خواهند پرداخت». این بیانیه در حالی منتشر شد که قطع تقریباً کامل اینترنت و ارتباطات، که از سوی حکومت و دولت در سراسر ایران اعمال شده است، همچنان ادامه دارد و بیش از ۱۲۰ ساعت از آغاز آن می‌گذرد.

واکنش کارشناسان این اندیشکده

مارک دوبوویتز: پس از نزدیک به نیم‌قرن حاکمیت آیت‌الله‌ها، درس کاملاً روشن است: مشکل اصلی ایران، حکومت آن است. حمایت از مردم ایران به‌معنای تحمیل تغییر حکومت (رژیم چنج) از بیرون نیست؛ بلکه به‌معنای هم‌راستاکردن سیاست آمریکا با خواسته‌های مردمی است که قاطعانه حکومت دینی را رد می‌کنند.

ادموند فیتون-براون: پُست دونالد ترامپ نشان می‌دهد که او به توصیه دوستان مردم ایران گوش می‌دهد. آنچه کمبودش احساس می‌شود، فوریت عمل است. اگر ظرف ۲۴ تا ۴۸ ساعت آینده مداخله مستقیم آمریکا صورت نگیرد، کشتارهای گسترده بیشتری از معترضان رخ خواهد داد و حکومت ایران ممکن است دوباره کنترل اوضاع را به دست بگیرد.

احمد شراوی: باراک اوباما در سوریه خط قرمزی درباره استفاده از سلاح شیمیایی ترسیم کرد که آن را اجرا نکرد. اگر رئیس‌جمهور ترامپ نیز از خط قرمزی که در ایران ترسیم کرده عقب‌نشینی کند، این مردم ایران و اعتبار ایالات متحده خواهند بود که آسیب می‌بینند.



هفت خطای راهبردی که به رهبری فعلی پایان خواهد داد

زینب ربیوآ - موسسه هادسون - ۱۲ ژانویه ۲۰۲۶

نویسنده در این مقاله استدلال می‌کند که ایران تحت رهبری آیت‌اله علی خامنه‌ای نه با یک بحران مقطعی، بلکه با مجموعه‌ای از شکست‌های راهبردی عمیق و ساختاری روبه‌روست که در مجموع بقای آن را ناممکن می‌کند. نویسنده توضیح می‌دهد که سومدیریت مزمن در حوزه‌هایی مانند بحران آب، اقتصاد، و حکمرانی، همراه با سرکوب سیاسی، مشروعیت حکومت را به شدت تضعیف کرده و نارضایتی اجتماعی را به سطحی بی‌سابقه رسانده است؛ نارضایتی‌ای که دیگر با ابزارهای امنیتی قابل مهار نیست. در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز آیت‌اله خامنه‌ای دچار محاسبات نادرست شده است: اتکای بیش از حد به نیروهای نیابتی، دست‌کم‌گرفتن توان اسرائیل، سوءبرداشت از سیاست‌های امریکا و امید بستن به حمایت چین، همگی فرضیات اشتباهی بوده‌اند که هزینه‌های سنگینی برای حکومت ایران ایجاد کرده‌اند. وی در آخر این مقاله نتیجه می‌گیرد که شکاف عمیق میان مسئولان نظام (حاکمیت) و نسل جوان، فرسایش توان سرکوب و انباشت این شکست‌ها باعث شده است که حکومت دیگر توان بازتولید قدرت و وفاداری را نداشته باشد و سقوط آن نه یک احتمال دور، بلکه پیامد منطقی این روندها باشد.



حکومت در حال فروپاشی است

مایکل دورن - موسسه هادسون - ۹ ژانویه ۲۰۲۶

نویسنده در این مقاله تحلیلی نوشته است که وضعیت ایران در سال ۲۰۲۶ در نقطه عطفی قرار گرفته است و بزرگ‌ترین موج اعتراضات سراسری از اواخر سال ۲۰۲۵ که با سقوط ارزش پول و وخامت معیشت شروع شد، اکنون به درخواست‌های صریح برای تغییر حکومت (رژیم چنج) تبدیل شده است. نویسنده می‌نویسد که هیچ سناریویی وجود ندارد که طی آن جمهوری اسلامی بتواند تا پایان ۲۰۲۶ با قدرت و انسجام فعلی به بقای خود ادامه دهد، چون عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی متعدد و به هم پیوسته‌ای در حال فرسایش کنترل و مشروعیت حکومت هستند اگرچه وقوع انقلاب کامل و جایگزینی نظام با جامعه آزاد الزامی نیست.

دورن، سه مسیر ممکن را بررسی می‌کند: فروپاشی کامل حکومت به دلیل تخریب اقتصاد، اختلافات در میان نخبگان و امنیتی‌ها، و ریزش نیروها؛ تحول جزئی با درگذشت یا حذف رهبری و جایگزینی یک چهره قوی از سپاه پاسداران که فقط تا حدی ساختار موجود را حفظ می‌کند؛ و نهایتاً «ادامه نامنسجم» با سرکوبی که اعتراضات را پراکنده می‌کند، اما حاکمیت را بسیار ضعیف‌تر از قبل نگه می‌دارد. در هر سه حالت، جمهوری اسلامی چنان که امروز می‌شناسیم نمی‌تواند قدرت خود را باز یابد.

نویسنده این تحلیل را به واقعیت‌های ساختاری اقتصاد و حکومت ایران پیوند می‌زند: بی‌ثباتی پول ملی، فروپاشی سازوکارهای مالی دولت و نظام اقتصادی دوگانه‌ای که تنها به حلقه محدود حاکمیت سود می‌رساند نشان می‌دهد که دولت دیگر قادر به توزیع منابع و مدیریت امور پایه‌ای کشور نیست. او همچنین اشاره می‌کند که حتی اگر اعتراضات به تنهایی حکومت را سرنگون نکنند، می‌تواند احتمال شکاف در میان نخبگان و نیروهای امنیتی را افزایش دهد و در نهایت مسیر سقوط یا دگرگونی جدی را هموار سازد.



تهدید ترامپ به حمله نظامی؛ کمک به معترضان ایرانی یا تقویت حکومت؟

چتم‌هاوس - ۱۲ ژانویه ۲۰۲۶

نویسنده در این نوشتار بررسی می‌کند که تهدید دونالد ترامپ برای حمله نظامی به ایران در پاسخ به سرکوب معترضان می‌تواند پیامدهای متفاوتی داشته باشد. از یک سو ممکن است به نفع حاکمیت عمل کند، مردم را علیه «دخالته خارجی» متحد و مشروعیت رهبری ایران را تقویت کند و حتی معترضان را دلسرد کند. از سوی دیگر، حمله هدفمند می‌تواند تمرکز حاکمیت را از سرکوب داخلی منحرف کند و تردید و ترک خدمت در میان مقام‌های امنیتی ایجاد کند، به‌طوری‌که توان سرکوب کاهش یابد. تحلیل مقاله نشان می‌دهد که نتیجه واقعی به ماهیت و گستردگی حمله، واکنش حکومت ایران و میزان پایداری جنبش داخلی معترضان بستگی دارد و حتی ضربه نظامی موفق تضمین‌کننده، سقوط حکومت نیست. بنابراین گزینه‌های غیرنظامی مانند اقدام سایبری، تحریم‌های سخت‌تر و حمایت از ارتباطات معترضان نیز از اهمیت بالایی برخوردارند و می‌توانند نقش موثری در افزایش فشار بر حاکمیت ایران داشته باشند.

Would Trump's threatened strikes help Iran's protesters or boost the regime?

The effects of a US strike in Iran could range from disaster to deliverance.

[EXPERT COMMENT](#) · [PUBLISHED 12 JANUARY 2026](#) · [UPDATED 12 JANUARY 2026](#) · [2 MINUTE READ](#)

اعتراضات ایران از الگوی آشنایی پیروی می‌کند

بنیاد کارنگی

نویسنده این مقاله تحلیل می‌کند که اعتراضات فعلی در ایران دنباله الگوی تکرارشونده اعتراضات اخیر است اما این بار فشارها بر حاکمیت بسیار شدیدتر شده‌اند. اعتراضات که از ۲۸ دسامبر ۲۰۲۵ با شروع اعتصابات اقتصادی علیه سقوط ارزش پول و افزایش شدید قیمت‌ها آغاز شد، به سرعت در سراسر کشور سیاسی شد و شعارهایی فراتر از مطالبات معیشتی را دربرگرفت، ازجمله انتقاد از کل نظام سیاسی و رهبری آیت‌اله خامنه‌ای. پاسخ حکومت همان الگوی آشنا بوده است: قطع اینترنت، دستگیری‌های گسترده، سرکوب خشونت‌آمیز و تلاش برای محدودسازی اطلاعات؛ اما این بار سطح فشار داخلی با بحران مشروعیت و فشار بین‌المللی ازجمله تهدیدهای نظامی و دیپلماتیک ایالات متحده افزایش یافته است.

نویسنده ادامه می‌دهد که این چرخه اعتراض و سرکوب در دهه‌های اخیر چندین بار تکرار شده است، چه در دی ۱۳۹۶ و چه در آبان ۹۸، و هر بار خواه در سطح اقتصادی یا اجتماعی شروع شده، سیاسی شده و به بحران مشروعیت رسیده است. بااین‌حال، چون ریشه‌ها ساختاری هستند (اقتصاد، بی‌اعتمادی عمومی، ناکارآمدی دولت) و نه صرفاً مقطعی، بدون اصلاحات اساسی، دولت ایران احتمالاً باز هم در آینده با موج‌های جدید اعتراضات روبه‌رو خواهد شد؛ همان الگوی آشنا که فقط زمان و شدت آن متفاوت است.

COMMENTARY ENISSARY

Iran's Protests Are Following a Familiar Pattern

This time, though, they're adding even more pressure to an already beleaguered regime.

مشکلات ایران فقط داخلی نیست

بنیاد کارنگی - ۱۲ ژانویه ۲۰۲۶

نویسنده در این مقاله تحلیلی اعتقاد دارد که مشکلات ایران فقط داخلی نیستند، بلکه تحولات منطقه‌ای و جهانی نیز موقعیت تهران را به‌طور فزاینده‌ای دشوار کرده‌اند. در داخل کشور، حاکمیت با بزرگ‌ترین موج اعتراضات طی چند سال گذشته روبه‌روست و با سرکوب خشونت‌آمیز و محدودیت‌های اینترنتی تلاش می‌کند آن را خاموش کند، اما فشار داخلی همچنان ادامه دارد. در سطح خارجی، تغییرات ژئوپلیتیک در مناطق شامات (سوریه و لبنان) و قفقاز جنوبی به‌ویژه پس از حوادث مهم در سال‌های اخیر -مانند تسلط آذربایجان بر قره‌باغ کوهستانی، ضعف نیروهای محور مقاومت مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران در منطقه، افزایش نفوذ ترکیه و اسرائیل و حمایت آمریکا از نظم منطقه‌ای که ایران را همراه خود ندارد- باعث شده‌اند که تاثیر و نفوذ منطقه‌ای ایران به‌طرز قابل‌توجهی کاهش یابد.

این مقاله تاکید می‌کند که تهران اکنون باید همزمان با بحران داخلی، با چالش‌های خارجی پیچیده‌تری روبه‌رو شود که بازسازی یا معکوس کردن آن دشوارتر از مشکلات داخلی است. بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ مثل آمریکا با ابزارهای دیپلماتیک و امنیتی مشغول شکل‌دادن به نظم‌های جدیدی هستند که عمدتاً در جهت کاهش نفوذ ایران عمل می‌کنند؛ روندی که می‌تواند تاثیر قابل‌توجهی بر آینده سیاسی و راهبردی جمهوری اسلامی داشته باشد.

COMMENTARY DWAN

Iran's Woes Aren't Only Domestic

The country's leadership is increasingly uneasy about multiple challenges from the Levant to the South Caucasus.

نتیجه‌گیری

تحلیل‌های متعدد گزارش‌ها و مقالات تحلیلی اندیشکده‌ها و مراکز مطالعاتی به‌ویژه امریکایی نشان می‌دهد که موج فعلی اعتراضات در ایران، که از اعتصابات اقتصادی آغاز شد، از الگوی تکراری دهه‌های گذشته فراتر رفته و به یک بحران وجودی برای رهبران فعلی تبدیل شده است. برخلاف دوره‌های پیشین، این بار فرسایش اعتماد عمومی، ناکارآمدی ساختاری در مدیریت منابع حیاتی مانند آب و شکست در مهار نارضایتی‌های نسل جوان، زمینه را برای یک مقاومت مهارنشدنی فراهم کرده است. حکومت با تکیه بر روش‌های سرکوب آشنا، تلاش در حفظ انسجام دارد، اما گزارش‌ها از نگرانی درون سپاه و بسیج درباره اطاعت‌پذیری نیروها حکایت دارند که نشان‌دهنده عمق شکاف بین حاکمیت و ساختارهای امنیتی است.

مسئله بنیادین همچنان بر سر ماهیت حکمرانی است؛ همان‌طور که کارشناسان اندیشکده هادسون تأکید می‌کنند، مشکل اصلی پس از نیم قرن، نه سیاست‌های مقطعی، بلکه خود ساختار موجود است. سناریوهای پیش‌بینی‌شده، از فروپاشی کامل ناشی از تخریب اقتصاد گرفته تا دگرگونی جزئی پس از تغییر رهبری، همگی نقطه مشترکی دارند: جمهوری اسلامی کنونی قادر به بازیابی قدرت و انسجام

پیشین نخواهد بود. این عدم توانایی در بازتولید وفاداری، موتور محرکه اصلی است که هرگونه تلاش برای بازگشت به وضع موجود را عقیم می‌سازد و مسیر تغییر را هموارتر می‌سازد.

در عرصه بین‌المللی، کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران، ازجمله تضعیف بازوهای (نیابتی) محمور مقاومت و شکست در مهار افزایش نفوذ رقبای سنتی، فشار خارجی را تشدید کرده است. اتکای بیش از حد تهران به فرضیات اشتباه درباره حمایت جهانی، به‌ویژه نادیده‌گرفتن تغییر موازنه قدرت در قفقاز و خاورمیانه، هزینه‌های راهبردی سنگینی را تحمیل کرده است. این شکست‌های ژئوپلیتیک، در کنار بحران مشروعیت داخلی، یک جبهه متحد علیه ثبات حاکمیت ایجاد کرده است؛ جبهه‌ای که بازگرداندن آن نیازمند اصلاحاتی است که رهبران سیاسی ایران قادر به انجام آن نیستند.

موضع ایالات متحده آمریکا، با توجه به تجربیات تلخ گذشته در قبال ایران، اکنون در یک بزنگاه حساس قرار دارد. هشدارها مبنی بر اینکه هرگونه عقب‌نشینی از مواضع سختگیرانه فعلی، می‌تواند به تقویت جایگاه مذاکراتی تهران منجر شود، بسیار جدی است. از سوی دیگر، حمایت‌های صریح و مستقیم ترامپ از مردم ایران و تهدید به اقدامات تنبیهی، در صورت ادامه سرکوب، می‌تواند به‌عنوان یک اهرم فشار موثر عمل کرده و امید معترضان را زنده نگه دارد. نکته کلیدی در این میان، اجتناب از تکرار خطاهایی است که در گذشته منجر به اعطای فرصت به حاکمیت برای تجدید قوا شده بود.

همچنین، واکنش‌های بازیگران کلیدی مانند چین، نشان‌دهنده عدم تمایل پکن به سرمایه‌گذاری کلان در بقای حکومت ایران در شرایط بحران است. اگرچه چین به

حمایت‌های اقتصادی محدود ادامه می‌دهد، اما عدم تعهد به اتحاد راهبردی، نشان می‌دهد که چین نیز آینده‌ای برای حکومتی که در معرض خطر فروپاشی داخلی قرار دارد، نمی‌بیند. این عدم پشتیبانی عملی از سوی یک شریک راهبردی، عمق انزوای بین‌المللی تهران را بیش از پیش نمایان می‌سازد و فضای مانور اقتصادی و سیاسی آن را تنگ‌تر می‌کند.

درحالی‌که احتمال مداخله نظامی مستقیم امریکا همچنان یک گزینه پرخطر با پیامدهای نامعلوم است، تحلیلگران بر اهمیت ابزارهای غیرنظامی نظیر حملات سایبری هدفمند و تشدید تحریم‌ها تاکید دارند. این ابزارها می‌توانند بدون فعال‌سازی مجدد حس ملی‌گرایی در برابر «دخالت خارجی»، ساختارهای کنترلی حکومت را مختل کنند و شکاف‌ها در میان بدنه تصمیم‌گیرنده را عمیق‌تر سازند. فوریت عمل در این زمینه‌ها، به‌ویژه حمایت از ارتباطات مردمی، برای حفظ شتاب جنبش حیاتی ارزیابی می‌شود.

در تحلیل این مراکز تصمیم‌ساز غربی، مسیر پیش رو برای ایران، برخلاف تمام تلاش‌ها و اقدامات در برابر اغتشاشگران، بیش از هر زمان دیگری به‌سمت دگرگونی ساختاری سوق پیدا کرده است. ترکیبی از شکست‌های داخلی غیرقابل جبران، انزوای منطقه‌ای و سیاست خارجی قاطع قدرتهای جهانی، بقای نظام اسلامی را در بلندمدت ناممکن می‌سازد. این وضعیت، فرصتی بی‌بدیل را برای معترضین و اغتشاشگران فراهم می‌آورد تا خواسته‌های خود را تا مرحله نهایی پیش ببرند، مشروط بر اینکه انسجام و خواست جمعی در برابر خشونت فزاینده حفظ شود تا این موج، به نتیجه مطلوب تغییر تبدیل شود.



خانه‌اندیشه‌وزان

{ دی ۱۴۰۴ }